

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجنیا - ۱۲ جنوری ۲۰۱۴

یغما

شب نجوای دلگیر ملال داشت و در دهکده تنهایی رودبار حسرتزده اشک، جوهر
آرامشم را به یغما برده بود، یک آسمان ستاره در سوگ دلم عزادار بودند. با روح ملول
و گرفته کنار تنور داغ عذاب نشسته بودم و از سقف درد بر سرم سیماب ناچاری
میریخت.

ناگاه صدائی مرا به مهمانی واژه ها فراخواند و عبارات عشق روی کتاب دلم کامل
گردید. انگار چراغی در شاهراه شبزده ذهنم فروغ گرفت و باز معراج عاطفه را گذر
کردم و از نور نگاه او سخن گفتم که بشارت هستی را در من آفریده بود.

تدبیر

برو که آسمان ابرآلود دلم سنگ صبر میبارد، تا تدبیر سیلاب بی مهری ترا بنماید.

فروغ

چه کسی فروغ چشمانم را ربود، تا در وادی ظلمانی یأس، مالا مال از انتظار بمیرم؟

(ناهید "غزل" غنی زاده)